

نگاهی به تازه ترین کتاب شیوا مسعودی

# «بی شوخی» دلک‌ها از کجا آمده‌اند؟



حسان زبور عالم

بازار کتاب‌های نظری طسی یک دهه اخیر جذاب شده‌اند. هر چند نسل من خاطرات خوبی از نشر انبوه کتاب‌های نظری و فلسفی در اواخر دهه هفتاد، در بهار دولت اصلاحات رادار، دورانی که از در دیوار نام فیلسوف و اندیشمند می‌بارید و حتی پای برخی نیز به ایران گشوده شده؛ اما در یک دهه اخیر وضعیت کمی متفاوت پیش رفته است. دیگر مترجمان به سراغ کتاب‌های مشهور نمی‌روند و میلی، به باز ترجمه آثار جدل انگیز قدیمی هم وجود ندارد. از قضا با افزایش میل به تاریخ‌گرایی نو یا کتاب‌های نظری روایی، ناشران و مترجمان به سراغ نویسندگان و کتاب‌هایی می‌روند که بیش از شهرت نویسنده، رویکرد نوشتاری آن به چشم بیاید. نویسندگانی که مفاهیم پیچیده مطرح شده برای مادر دهه هفتاد را حالا ساده‌تر بیان کنند. برای مثال کتاب «ذهن و بازار» جری مولر، از آثار پراقبال بازار کتاب، تمام مفاهیم پیچیده‌ها مارکس تا سمیت‌رابا رویکردی قلم‌گویی به شما اعطی می‌کند و این در حالی است که شاید با خواندن سه جلد کتاب «سرمایه» کارل مارکس باز هم گیج و سردرگم بمانید یا زمان کافی برای مطالعه همه آثار آدام اسمیت، راندال استون، کما اینکه همه آثار او هم به فارسی ترجمه نشده‌اند. پس رویکرد کتاب‌هایی از این دست با میل بازار همسواست.

باین حال در چنین بسازاری میل همواره به سمت آثاری است که یا نیازهای عمومی مردم را تأمین کند یا عامه پسند باشد. برای مثال آثار یووال نوح هراری، فالغ از ارزش علمیش دیگر به یک اثر عامه پسند بدل شده و حتی اصطلاحاتش نیز در کلام عوام رخنه کرده است. حتی در ایران، با بازبازی و اکنتش از ارشاد در جلو گیری از نشر یا ترجمه بیشتر آثارش، نشان می‌دهد کتاب‌فارغ از اثر گذاری علمی بر مفاهیم انسان‌شناسی در ایران، بیشتر بر بدنه اجتماعی طبقه متوسط اثر گذار

گزارش تئاتر

درباره نمایش‌های «آنتیگون»، «مسلخ»، «انباشت»، «نفرین ززالین» و «در انتظار گودو»

## تئاتر در تسخیر جوانان و اجراهای کم‌رمق



محمدحسن خدایی

ترافیک اجراهای مختلف در تئاتر پایتخت کشور کمابیش با حضور خیل جوانان مشتاق و گاهی نابلد در این عرصه، امکان‌پذیر شده است. این شب‌ها و در آغاز پاییز نه چندان سرد و پربارش، سالن‌های تئاتر میزبان نسل جدید تئاتری‌های است که بعضی از آنان تحصیلات مرتب با هنرهای نمایشی نداشته و سر حادثه، ماجراجویی و یا شاید کنج‌کاو، گذرشان به وادی تئاتر افتاده و احتمال مثل تمام این سسال‌ها، بعد از یکی دو اجرای ناموفق، عطای تئاتر را به لقایش بخشیده و برای همیشه از این اقلیم ناپدید خواهند شد. به هر حال این واقعیتی است که بر کیفیت اغلب اجراها اثر گذاشته و حتی آثار بزرگان و باتجربه‌های تئاتری را گرفتار روزمرگی و میان‌مایگی کرده است. چرا که وقتی صحنه پر است از اجراهای کم‌رمق، چرا باید کار جدی تئاتر کرد؟ نهاد اجتماعی تئاتر این روزها در گیر اجراهایی است که ضرورت بر صحنه آمدن شان چندان آشکار نیست و چیزی به مخاطبان خویش نمی‌افزاید. حتی با جستجوی ساده در سایت تیوال و نیم‌نگاهی به این حجم از اجرا، می‌توان حدس زد که مخاطب چندانی وجود ندارد و بسیاری از اجراها به زبان مالی برای گروه اجرایی و تهیه‌کننده، نصیب چندانی از این وضعیت اسف‌بار نخواهند برد.

این هفته و بنابر سنت این چند هفته، به تعدادی از نمایش‌های شهر تهران می‌پردازیم که حاصل کار روزیانشناسی جوانان است و با اندکی تساهل و تسامح، نشانه‌ای از سلیقه هنری این نسل پر حاشیه

نمایش اول - آنتیگون

مهم‌ترین نکته‌ای که در خوانش محمدرضا آگاه‌اژ متن آنتیگونه سوفکل مشهود است، غیاب آنتیگونه به صحنه و این همانی با «لیدی مکبث» و «ولفلیا هملت» است. اجرا در تمنای باوراندین مسئله است که گویی تن زبانه در



که در دو تلاش سعی کرده است ناداستان‌های سینمایی روایت کند، به سراغ پرونده‌های جنایی گوناگون رفته است. در چنین شرایطی برای فردی هنردوست یک لنگه کفش می‌تواند غنیمت به حساب آید و از قضا «بی شوخی» دلک، قهرمان تئاتر قرن بیستم «غنیمت خوبی است». دونالد مک‌مانوس، استاد تئاتر دانشگاه امری آمریکا است و با وجود فعال بودن در حوزه نوشتار، پیش از ترجمه «بی شوخی» نامش چندان در میان ایرانیان مطرح نبوده است. البته با وجود نشر کتاب او در ایران، هنوز هم توجهات به او جدی نبوده است که می‌تواند بخشی از همان آسیب‌شناسی مطرح‌شده در مقدمه نوشتار باشد. «بی شوخی» روایتی است از بازنگری مهم‌ترین چهره‌های تئاتری قرن بیستم نسبت به مفهوم دلک و تبدیل کردن آن به پدیده‌ای مدرن. از این منظر کتاب می‌تواند پنجره‌ای تازه به خوانش تاریخ تئاتر قرن بیستم باشد که با نام‌هایی چون بکت، برشت، کوپو و میر هولند گره خورده است؛ اما «بی شوخی» با وجود مهر تئاتر بر پیشانی‌اش در خط‌مستقیم تئاتر حرکت نمی‌کند. شاید همه چیز به مترجم کتاب باز گردد؛ شیوا مسعودی.

شیوا مسعودی که خود استاد تمام وقت دانشگاه تهران است پیش‌تر کتابی تألیفی با عنوان «کارنامه تلخکان» در نشر نی به طبع رسانده بود، کتابی نو در زمانه خود و البته تکرار ناشده تا به امروز. مسعودی که سال‌هاست روی مفهوم دلک در تئاتر کوشش می‌کند در کتاب تألیفی خود به سراغ این ایده می‌رود که دلک ایران در قالب‌های متعدده از جهان غربی که از نفاطی در فلات ایران به دنیای نمایش ایرانی وارد شده است، به عبارتی کتاب‌اوانی است تبارشناسانه که اثبات می‌کند دلک ایرانی متقدم است بر درام ایرانی، درامی که در عصر مشروطه ظهور می‌کند و بار آلیش بر جهان کم‌دی است. همین رویکرد تبارشناسانه به نوعی در کتاب مک‌مانوس نیز تکرار می‌شود. او نیز تلاش می‌کند تبار دلک‌های مدرن را بیابد که چگونه در چند نقطه تاریخی از زمینه اصلی خود گسسته یافته است. البته مک‌مانوس تمرکزش بر یک جهان غربی است و حداقل از ایتالیا به آن سوی شرق سفر نمی‌کند؛ اما تلاش می‌کند بر خلاف اسلاف خویش که زمینه‌های تئاتری در سینما را نادیده می‌گیرند، نشان دهد که چگونه سینمای

و اندکی انسان‌شناسی زمینه‌هایی است که کتاب‌های روایی به خوبی موفق به جلب توجه شده‌اند؛ اما آیا این مهم در مورد جامعه‌شناسی یا هنر هم صادق است؟ بازار چنین چیزی نشان نمی‌دهد. حتی گرایش نویسندگان و ناشران ایرانی به تولید آثاری مشابه نشان می‌دهد مسأله تاریخ سیاسی و اقتصادی از هنر حداقل پیشی گرفته است. میل شدید ناداستان‌ها به پرونده‌های جنایی نمونه‌ها را ماجرا است. حتی کریم‌نیکونظر

«بی شوخی» روایتی است از بازنگری مهم‌ترین چهره‌های تئاتری قرن بیستم نسبت به مفهوم دلک و تبدیل کردن آن به پدیده‌ای مدرن. از این منظر کتاب می‌تواند پنجره‌ای تازه به خوانش تاریخ تئاتر قرن بیستم باشد؛ اما «بی شوخی» با وجود مهر تئاتر بر پیشانی‌اش در خط‌مستقیم تئاتر حرکت نمی‌کند. شاید همه چیز به مترجم کتاب باز گردد؛ شیوا مسعودی

کمدی با حضور افرادی چون چارلی چاپلین متأثر از مفهوم مدرن دلک بوده‌اند. «بی شوخی» نثر ساده‌ای دارد و تلاش می‌کند بسیار خلاصه تاریخ را مرور کند؛ اما به جای آنکه تاریخ را بشکافد و پای بسیاری را به دنیای کنایش باز کند، تمرکزش را روی همان موضوع می‌گذارد. برای مثال در فصل سوم که به سراغ دلک‌های مدرن فرانسوی می‌رود به جای آوردن انبوهی اسم از هر جای ممکن، روی برخی چهره‌های مهم تمرکز می‌کند. با آنکه می‌دانیم فرانسه به سبب نقشش در شکل‌گیری هنر مدرن، برای مثال در هنر میم چه ید طلایی دارد؛ اما مک‌مانوس به سراغ چهره‌هایی می‌رود که ارزش نظری داشته باشند. از همین رو موضوع نادیده گرفته شده «دلک» حداقل به یک حساسیت برای خواننده بدل می‌شود.

مک‌مانوس یک حرکت جذاب دیگر هم داشته است و آن هم جنگ نژاد به انواع دیدگاه‌های فلسفی که این روزها در نوشتارها رایج شده است. انبوهی از جملات قصار که گاهی اوقات به نظر می‌رسد صرفاً برای مشروعبیت بخشیدن به کتاب از آنها بهره گرفته شده است. مک‌مانوس با اینکه می‌توانسته از انبوهی فیلسوف حوزه کمدی، تئاتر و حتی هنر مدرن بهره بگیرد، به حساست ویژه‌ای از آنها بهره برده است. این احساس از کتاب بر می‌آید که او شخصیتی چون بکت یا برشت را چهره‌های ملیس به ردهای فکری در نظر گرفته است و این مسأله را می‌توان در شکل نوشتاری بسیاری از نویسندگان حوزه تئاتر نیز جستجو کرد؛ اینکه تئاتر را باید به مثابه اندیشه دنبال کرد.



از حد شخصی و غیر خلاقانه شده است. انتزاع بکت اصولاً بر حذف کردن تکیه دارد و انتظار کشیدن سوبه سیاسی و رادیکال می‌یابد. اما اینجا به انتظار مشاهده می‌شود و نه رادیکال بودن در تجربه زیست و بران. یک خوانش سترون و فاقد ایدئولوژی پیشرو که ملال می‌افزاید و روح بکت بزرگوار را در قیر خویشی به شدت می‌لرزاند.

نمایش پنجم - نفرین ززالین

مسعود طیبی در نمایش «نفرین ززالین» به سراغ شکسپیر رفته و این بار خوانشی از نمایشنامه «مثنوی و زولیت» را به صحنه آورده است. روایت از انتهای ابتدایان شده و تمنای ززالین است در نفرین عشاق جوان، آن‌هم به کمک لوسیفر در اختلاف‌افکنی و ایجاد جدایی مابین رمثو و زولیت. مسعود طیبی همچنان بر همان مدار می‌گردد که در قیل از این در اجراهای دیگرش از جهان شکسپیری شاهد بودیم. در روشن‌آب مناسبات تاریخی جهان شکسپیر و بر ساختن یک جهان بیش از حد ذهنی و غیر تاریخی. بنابراین تماشاگران با آنکه تاحدودی از روابط این شخصیت‌ها آگاه خواهند شد، اما همچنان باروایتی نفوذناپذیر و الکن روپرو هستند که معلوم نمی‌کند چرا شخصیت‌ها این گونه بر صحنه حاضر شده و با یکدیگر این گونه کلام شاعرانه ردوبدل می‌کنند. بنابراین نمایش نفرین ززالین را می‌توان یکی از بیشمار اجراهایی دانست که با خوانشی نه چندان خلاق از یک درام عاشقانه کلاسیک بر صحنه می‌آیند و بعد از مدتی فراموش می‌شوند. اجرایی که در سالن چهارم بوتیک ایران پردیس شهرزاد اجرا می‌شود و دوست دارد تابلوهای زیبا خلق کند؛ اما نسبت این تابلوها با اجراهای جهان شکسپیری به اندازه توضیح نمی‌دهد. در نهایت بعد از تماشای نفرین ززالین و نقش آفرینی لوسیفر در موفقیت آمیز بودن نفرین ززالین در رابطه با عشاق جوانی چون رمثو و زولیت به دست می‌آورد، می‌توان حدس زد که جهان مورد نظر کارگردان، این لوسیفر و نیروهای شر هستند که چراغ را به تسخیر خود در آورده و عشق و نفرت انسان را کنترل می‌کنند.

و طویل و اجبار به یادآوری خاطرات گذشته. مهسا اکبرآبادی در مقام بازیگر و کارگردان، با نگاهی به نمایشنامه «والس تصادفی» و یکتور هاینم، تلاش دارد یک فضای علمی-تخیلی بیافریند. در این سیر و سلوک بازندگی گذشته که همراه است با یک سیستم پاداش دهی میان صفر تا صد، شخصیت مهسا این امکان را می‌یابد که هویت خویش را بار دیگر به میانجی مرور خاطرات از نو بازآفرینی کند. حاصل کار در نهایت ملاقات با پسر است که گویا روزگاری او را دوست داشته و این روزها در این سیستم کافکایی مشغول کار است.

انباشت پروژه پایان‌ناهم دوره کارشناسی این کارگردان جوان است. فضای هیپریدی و التقات گراییه اجرا، گاهی ملال‌آور و پیچیده است؛ اما پاریم مناسب و وطن‌زی ملایم، تلفیق می‌شود. نمایش انباشت اگر نیروی خود را در یک جهت به کار برده و از این شاخه به آن شاخه نپرد، می‌تواند تماشایی‌تر باشد. اما با تمامی نکات ذکر شده این نمایش محصول تئاتر دانشگاهی است و واجد حداقلی از استانداردها بودن. سالن کوچک تئاتر مولوی این شب‌ها میزبان این اجرای جمع‌وجور و تاحدودی تماشایی است.

نمایش چهارم - در انتظار گودو

بار دیگر نمایش «در انتظار گودو» و این بار به شکل تاسف‌باری، یک اجرای کمابیش غیربکتی. کارگردان جوان نمایش که گویا علیرضا حاجی‌بابایی نام دارد اما «آلین رزمارین» خود را خطاب کرده در این اجرا که این شب‌ها در سالن اصلی مولوی اجرا می‌شود دست به خوانشی مخاطره‌آمیز از متن بکت زده و با افزودن چند بازیگر زن، برای هر کدام از شخصیت‌های مرد، یک حضور زنانه در کنار شخصیت‌های مرد ساخته است. رویکردی



مبتنی بر روانشناسی یونگی و کنار هم قرار دادن آنیماس و آنیموس افراد. اگر بپذیریم که در انتظار گودوی بکت، پرسشی تاریخی و هستی‌شناختی است در رابطه با انسان معاصر و سرگردانی، خوانش این کارگردان جوان، تمامی ظرفیت‌های سیاسی و هستی‌شناسانه «در انتظار گودو» را کنار گذاشته و بدل به خوانشی بیش

نمایش سوم - انباشت

نمایش انباشت مبتنی است بر مرور خاطرات، وارد شدن یک دختر جوان به یک سازمان عریض